



eISSN: 2981-1791

Homepage: ut.journals.ikiu.ac.ir/

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Policy Making Theory and Environmental Planning (Case Study: Sustainable Development Theory)**Amir Safaee^{(1)*}**

1. Ph. D in Environmental Planning, Faculty of Environment, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

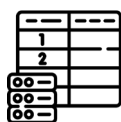
Abstract

Received: 08/06/2022**Accepted:** 02/07/2022**Keywords:**Environmental Planning,
Policy Making Theory,
Sustainable Development

Number of references: 31



Number of figures: 0



Number of tables: 2

©2022, UST. All rights reserved.

Publisher: Imam Khomeini
International University (IKIU)

Theorizing especially in social sciences concerned with hierarchical levels of values and normative preconceptions whether from the perspective of formulizing and interpretation or policy making and application. Meta-theories (ontological, epistemological, methodological issues) are at the top of the hierarchy, followed by social science theories and finally ends to policymaking theories. Policymaking theories connect fundamental and theoretical thoughts to social acts. Environmental planning as a normative profession and activity requires such theories to propose governing activities. This paper aims to discuss whether there are any cases of policy theories in environmental planning or not. Following with this question if respecting the fact that in the recent decades, sustainable development concept has been a source of inspiration to environmental policymaking activities around the world, would it be possible to consider it as an environmental policy making theory or not. Based on epistemological, linguistic and historical analysis, the paper suggests that it is possible to consider sustainable development concept as a policy-making theory. Furthermore, regarding obvious effects of this concept on adopted environmental policies all around the world including Iran, it is confirm that sustainbale development concept is consider as a case of policymaking theory in environmental planning.

Cite this article: Safaee, A. (2022). Policy Making Theory and Environmental Planning (Case Study: Sustainable Development Theory). *Urban Strategic Thought*, 1 (1), 113-124.

[10.30479/UT.2022.17367.1106](https://doi.org/10.30479/UT.2022.17367.1106)

OPEN ACCESS

*Corresponding Author: A_safaee@ut.ac.ir

نظریه سیاستی و برنامه‌ریزی محیط‌زیست (مطالعه موردی: نظریه توسعه پایدار)

امیر صفائی^(۱)*

۱- دکتری برنامه‌ریزی محیط زیست، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نظریه و نظریه‌پردازی به ویژه در علوم اجتماعی، هم در مقام صورت‌بندی و تفسیر و هم در مقام تأثیر در سیاست‌گذاری اجتماعی و اجرا، دربردارنده سلسله‌مراتب گوناگونی از ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های هنجاری است. این سلسله‌مراتب، از سطح فرآیند (مباحث هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه، روش‌شناسانه) آغاز و به سطح نظریه و در نهایت سطح سیاست‌گذاری منتهی می‌گردد. نظریات سیاستی که در سطح سیاست‌گذاری اجتماعی مطرح می‌گردند، اندیشه‌های بنیادین و نظری را با عمل اجتماعی مرتبط می‌سازند. برنامه‌ریزی محیط‌زیست نیز به‌عنوان امری هنجاری و مرتبط با سیاست‌گذاری اجتماعی، برای تدوین اقدامات حاکمیتی و جهت‌گیری‌های سیاستی نیازمند چنین نظریاتی است. در این مقاله، ابتدا با تکیه بر سلسله‌مراتب پیش‌فرض‌های هنجاری در نظریه‌پردازی، مفهوم نظریه سیاستی تبیین می‌شود. سپس این پرسش مورد تحقیق قرار می‌گیرد که آیا نمونه‌هایی از نظریات سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست وجود دارد؟ به ویژه، با توجه به این که در دهه‌های اخیر، مفهوم توسعه پایدار از ایده‌های مسلط بر سیاست‌گذاری توسعه و محیط‌زیست در بسیاری از کشورهای جهان بوده، آیا می‌توان آن را یک نظریه سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست دانست؟ در نهایت، با نگاهی به برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، تأثیرپذیری سیاست‌های محیط‌زیستی ایران از نظریات سیاستی بررسی می‌گردد. نگاهی به تاریخچه و تعاریف نهادی توسعه پایدار، در کنار تحلیل معرفت‌شناختی، زبان‌شناختی و تاریخی این مفهوم، بیانگر انطباق آن با ویژگی‌های یک نظریه سیاستی شامل هنجاری، تجویزی و معطوف به عمل حاکمیتی بودن است. هم‌چنین، تأثیر عملی گسترده این مفهوم بر سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در کشورهای گوناگون جهان از جمله ایران، مؤید آن است که نظریه توسعه پایدار، مصداقی از نظریات سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست است.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱
صفحات: ۱۱۳-۱۲۴

واژگان کلیدی:

برنامه‌ریزی محیط زیست،
نظریه سیاستی، توسعه پایدار



تعداد منابع: ۳۱



تعداد اشکال: ۰

1	
2	

تعداد جداول: ۲

ارجاع به این مقاله: صفائی، امیر (۱۴۰۱). نظریه سیاستی و برنامه‌ریزی محیط‌زیست (مطالعه موردی: نظریه توسعه پایدار). اندیشه راهبردی شهرسازی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۱۳-۱۲۴.

©2022, UST. All rights reserved.

۱- مقدمه و طرح مساله

اگرچه واژه نظریه به صورت وسیعی در ادبیات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما تعریف مورد توافقی از ماهیت آن، نزد فیلسوفان علم وجود ندارد. بلکه مکاتب گوناگون علم‌شناسی فلسفی، بسته به مبانی خود، تعاریف گوناگون و گاه متعارضی از نظریه ارائه نموده‌اند. تجربه‌گرایان، نظریه را دارای ویژگی تبیینی و به بیان روشن‌تر، توصیفی از روابط بین واقعیات و پدیدارهای قابل شناخت حسی می‌دانند که از لحاظ تبیین واقعیات، در بالاترین سطح عمومیت و کلیت قرار دارد (معینی علمداری، ۱۳۸۵: ۳). در میان تجربه‌گرایان، پوزیتیویست‌ها، مهم‌ترین ویژگی‌های نظریات علمی را قابل اثبات یا تأیید تجربی بودن می‌دانند و بر تقدم مشاهده بر نظریه و لزوم بی‌طرفی نظریات علمی نسبت به ارزش‌های فردی و اجتماعی تأکید دارند. آن‌ها اساس شکل‌گیری نظریات علمی را استنتاج قوانین کلی از مشاهدات جزئی بر اساس اصل استقراء می‌دانند (چالمرز، ۱۳۸۹: ۱۷). در برابر ایشان، ابطال‌گرایانی مانند کارل پوپر، کاربرد روش استقرائی برای اثبات قوانین علمی را رد نموده، نظریه را توصیف و تبیینی از روابط بین پدیده‌های قابل شناخت حسی می‌دانند که امکان ابطال یا تصحیح آن به وسیله نظریه دیگری وجود داشته باشد. همچنین آنان به تقدم نظریه بر مشاهده باور دارند و تکوین نظریه را هم متأثر از مشاهدات تجربی دانشمندان و هم ناشی از ارزش‌ها، انتظارات و پیش‌فرض‌های آنان می‌دانند (چالمرز، ۱۳۸۹: ۳۶-۴۸، ۵۲-۵۴).

از سوی دیگر، توماس کوهن که برخلاف پوزیتیویست‌ها و ابطال‌گرایان، نظریه را یک کل ساختاری پیچیده می‌داند، مجموعه توافقات دانشمندان هر علم را بر روی تبیینی خاص از یک پدیده، موجب قبول و یا کنار نهادن یک نظریه می‌داند. در واقع، به عقیده وی شکل‌گیری و مقبولیت نظریات علمی در قالب پارادایم‌های گوناگون، تنها ناشی از عوامل ارزشی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و پیش‌فرض‌های متافیزیکی دانشمندان است (چالمرز، ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۲۰). علی‌رغم تفاوت و تمایز ماهیت نظریه و روش پژوهش در علوم اجتماعی با علوم طبیعی (Giddens, 1984)، در دوره پسا اثبات‌گرایی، در حوزه علوم اجتماعی نیز تأثیر ارزش‌های تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و پیش‌فرض‌های دانشمندان، بر صورت‌بندی، تفسیر و ترجیح یک نظریه بر نظریه دیگر، به ویژه توسط پیروان مکتب فرانکفورت از جمله هابرماس مورد اشاره واقع شده است (Allmendinger, 2002). به طور کلی، نظریات گوناگون از نظر نوع و سطح کاربرد متفاوتند و از این منظر، چنانکه در جدول ۱ مشاهده می‌گردد، در شش گروه جای داده می‌شوند. از این میان، تفاوت دو دسته نظریه تجربی (توصیفی) و تجویزی و نحوه رابطه بین نظریات و سیاست‌ها، بیشتر مدنظر

این مقاله است. یک نظریه توصیفی به خودی خود، نمی‌تواند بیانگر توصیه و تجویز برای عمل اجتماعی باشد، مگر آن‌که جهت تحقق اهداف، انتظارات و ارزش‌های خاصی به کار گرفته شود. همچنین، ارائه هرگونه تجویز در زمینه تعیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجتماعی، علاوه بر نیازمندی به تعیین ارزش‌ها و اهداف، مستلزم بهره‌گیری از نظریات تجربی مبنا نیز می‌باشد. لذا انتخاب سیاست‌ها با توجه به باورهای مبتنی بر واقعیات عینی و باورهای مبتنی بر روابط علی معلولی تبیین شده توسط نظریه‌ها و اهداف و ارزش‌ها و نتایج مورد انتظار صورت می‌گیرد (چرنوف، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۱).

آنچه از مجموع مطالب بیان شده نتیجه گرفته می‌شود این است که، نظریه و نظریه‌پردازی به ویژه در علوم اجتماعی، نه تنها در مقام صورت بندی و تفسیر، بلکه در مقام تأثیر در سیاست‌گذاری اجتماعی نیز متأثر از ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های هنجاری است. علاوه بر این، پیش‌فرض‌های هنجاری و ادعاهای مستتر در یک نظریه علوم اجتماعی دارای سلسله مراتب و سطوح گوناگونی می‌باشند. در بالاترین سطح، یک نظریه، مدعایی کلی دارد که شمار گسترده‌ای از امور و ادعاها، به صورت سلسله مراتبی از آن منتج می‌گردند (اشتریان، ۱۳۹۱ الف).

به عنوان نمونه، در یک سطح کلان، یک نظریه ممکن است مدعی آن باشد که واقعیات خارجی وجود دارند و فقط محدود به امور مادی می‌شوند. همچنین از ویژگی‌های واقعیات مادی آن است که قابل تجربه حسی هستند. از سوی دیگر، بنا به اصل بسخیت علت و معلول، هر معلولی، علتی متناسب با خود و به اصطلاح از بسخ خود دارد. بنابراین با تشکیل یک قیاس منطقی باید گفت که واقعیات خارجی به عنوان معلول‌هایی مادی، فقط دارای علل مادی هستند. این دو مدعا، پیش‌فرض‌هایی ناشی از نظریه هستی‌شناسی ماتریالیستی هستند. همچنین در سطح بعد، نظریه ممکن است دارای این پیش‌فرض باشد که تنها راه کسب معرفت قابل اعتماد از پدیده‌های مادی، تجربه حسی است. این پیش‌فرض نیز برگرفته از نظریه اصالت حس در معرفت‌شناسی است. در سطح بعد، پذیرش این پیش‌فرض‌ها، ما را به سوی ادعایی دیگر رهنمون می‌نماید و آن اینکه پدیده‌های اجتماعی را نیز به عنوان واقعیاتی خارجی و قابل تجربه حسی، معلول علل مادی (اقتصادی، جمعیتی و...) بدانیم که راه مطالعه آن‌ها روش تجربی است. بدین ترتیب مشخص می‌گردد که چگونه یک نظریه دارای مجموعه‌ای سلسله مراتبی از ادعاهاست، به نحوی که یک نظریه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خاص، نظریه اجتماعی مشخص و متناسب با آن را در پی دارد. این نظریه اجتماعی به نوبه خود می‌تواند نظریه سیاستی جهت

اجرای حاکمیتی و سیاست‌گذاری منطبق با اصول خود را شکل دهد.

بنابراین سلسله مراتب نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی، از سطح فرا نظریه (فلسفی) که در بردارنده مباحث هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه می‌گردد، آغاز شده و به سطح نظریه و در نهایت سطح سیاست‌گذاری منتهی می‌گردد (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۷). از نظریات مطرح در سطح سوم که در بردارنده موضوعات خرد و معطوف به وقایع و رخداد‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و غیره هستند، به نظریه‌های سیاستی تعبیر می‌گردد. چنین نظریاتی می‌تواند از درون نظریه‌های روش‌شناسی یا نظریه‌های کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و غیره استخراج شده یا با آن‌ها مرتبط باشد. در حقیقت، نظریه سیاستی، مدلی عملیاتی و معطوف به عمل است که نحوه مداخله حاکمیتی را بر اساس نظریه‌های هنجاری، تدوین نموده و همچون گفتمانی مسلط بر دستگاه‌های اداری و مدیریتی کشورها سایه می‌افکند. یک نظریه سیاستی، نخست آن که معطوف به یک یا چند موضوع یا مسأله اجتماعی است و دیگر آن که یک راهکار مداخله حکومتی برای حل آن پیشنهاد می‌دهد. رهنمود امنیت غذایی سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد، رهنمودهای سازمان بهداشت جهانی (اشتریان، ۱۳۹۱ ب) در زمینه ارتقای سطح سلامت افراد و جوامع و بیانیه‌های سازمان علمی، آموزشی و فرهنگی ملل متحد، نمونه‌هایی از نظریات سیاستی هستند.

جدول ۱- دسته بندی نظریات (ماخذ: آلمندینگر، ۱۳۸۹: ۵۰، به نقل از Stoker & Wolman, 1995)

نوع نظریه	نوع نظریه
نظریه هنجاری	۱- نظریه بایسته ها و هنجارها و تعیین ایده‌هایی جهت دستیابی به آن‌ها
نظریه تجویزی	۲- تجویز و توصیه بهترین ابزار نیل به شرایط مطلوب و اهداف
نظریه تجربی (توصیفی)	۳- توضیح و تفسیر واقعیت و روابط علی- معلولی بین متغیرهای فرضی و مستقل
الگوها	۴- بازنمودهای ساده، انعکاسی از واقعیت و آزمون‌پذیر که همیشه متضمن فرضیه نیستند
چارچوب‌ها یا چشم‌اندازهای مفهومی	۵- تحلیل‌های زبان‌شناختی از ایده‌هایی که منجر به نقدها و چشم‌اندازهایی می‌گردد
نظریه‌پردازی	۶- اندیشیدن پیرامون جنبه‌های یک پدیده و نیز تناسب و قابلیت اجرایی سایر نظریات

۲- پیشینه تحقیق

در این مقاله، ابتدا با توجه به تعریف نظریه سیاستی، جایگاه آن در نظام نظریه‌پردازی و ویژگی‌های آن، تلاش می‌گردد تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا نمونه‌هایی از نظریات سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست وجود دارد؟ به ویژه، آیا می‌توان نظریه توسعه پایدار را یک نظریه سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست دانست؟ بدین منظور، ابتدا تاریخچه و برخی تعاریف ارائه شده از مفهوم توسعه پایدار مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس ریشه‌ها و پیش‌فرض‌های هنجاری مؤثر در تکوین و تحول این مفهوم تحلیل می‌شود و از این طریق، ویژگی‌های نظریه توسعه پایدار با ویژگی‌های برشمرده شده برای نظریات سیاستی، تطبیق داده می‌شود. در نهایت، با نگاهی به برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور، تأثیرپذیری سیاست‌های محیط‌زیستی تدوین شده در ایران از نظریه توسعه پایدار بررسی گردیده، به این ترتیب تأثیر عملی این نظریه در عرصه سیاست‌گذاری مشخص می‌گردد.

۳- مبانی نظری

در حوزه برنامه‌ریزی و به ویژه برنامه‌ریزی با نگرش محیط‌زیستی، گسست پارادایم پوزیتویستی حاکم بر علوم اجتماعی در دهه ۱۹۷۰، موجب رشد انفجارگونه تئوری‌های متنوع و متکثر برنامه‌ریزی، توجه روزافزون به ابعاد اجتماعی، سیاسی و هنجاری نظریات برنامه‌ریزی، بازنگری در معنا و کارکرد نظریه برنامه‌ریزی گردید (Allmendinger, 2002). چنین تأثیری با نفوذ رویکردهای علوم اجتماعی و دیدگاه‌های متمرکز بر رابطه بین انسان و محیط‌زیست، در برنامه‌ریزی محیط‌زیست نیز متجلی گردیده است. از سوی دیگر، ماهیت فعالیت‌های برنامه‌ریزی و از جمله برنامه‌ریزی محیط‌زیست، مبتنی بر قضاوت درباره عمل اجتماعی است که منجر به ایجاد تغییرات در جامعه می‌گردد. به همین دلیل، این رشته، بنا بر ماهیت خود، به طور وسیعی با سیاست‌گذاری اجتماعی و امور سیاسی و سیاستی در عرصه جامعه درگیر است. تا جایی که به باور فریدمن، یکی از مهمترین مسائل مطرح در برنامه‌ریزی، چگونگی ادغام و مداخله دادن روابط و ساختار قدرت در جامعه با نظریه پردازی‌ها و فعالیت‌های برنامه‌ریزی است (Friedmann, 1998).

بنابر آنچه که در تبیین نظریه سیاستی بیان گردید، ماهیت سیاست‌گذاری به عنوان امری آمیخته با هنجارها و ارزش‌ها، همواره متأثر از نظریات سیاستی است که گزینه‌های سیاستی و پیامدهای آن‌ها را توصیف و قواعد و اصولی را جهت بهینه‌سازی تصمیمات سیاستی تجویز نماید. بنابراین، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی محیط‌زیست، به ناگزیر متأثر از نظریات سیاستی است که جهت‌گیری اقدامات سیاستی در عرصه محیط‌زیست را تعیین می‌نمایند.

از این منظر، نظریه سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست،

بین‌المللی به اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ باز می‌گردد. بروز نابسامانی‌هایی همچون گسترش فقر و شکاف اقتصادی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و نیز تخریب گسترده منابع طبیعی و محیط‌زیست که به باور برخی دانشمندان ناشی از الگوی رشد اقتصادی به کارگرفته شده در این دهه‌ها بود، موجب جلب توجه کارشناسان به ضرورت توجه به کیفیت محیط‌زیست و عدالت اجتماعی در برابر رشد اقتصادی گردید. به طوری که در ۱۹۷۱، طی نشست گروهی از کارشناسان توسعه و محیط‌زیست در سوئیس، مسئله حمایت و بهبود محیط‌زیست به عنوان نیاز فوری کشورهای در حال توسعه مطرح گردید. توصیه‌های این اجلاس که به اجلاس فینیکس مشهور گردید، در مجموعه‌ای از سمینارهای منطقه‌ای تحت همین عنوان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت (مehشواری، ۱۳۷۸: ۵۹). همچنین از اوایل دهه ۱۹۷۰، گروهی از دانشمندان، جهت بررسی بحران محیط‌زیست جهان در شهر رم گرد هم آمده و گزارشی در مورد وضعیت محیط‌زیست جهان ارائه نمودند. در گزارش کلوپ رم که در ۱۹۷۲ منتشر گردید، تأکید شده بود که اگر جوامع صنعتی، شیوه رشد اقتصادی به کارگرفته در دهه‌های پیشین را در سالیان آینده تداوم بخشند، از بسیاری از محدودیت‌های اکولوژیکی رشد عبور خواهند کرد. در ۱۹۷۲، کنفرانس سازمان ملل پیرامون محیط‌زیست انسانی در استکهلم برگزار گردید و اهمیت مدیریت محیط‌زیستی و استفاده از ارزیابی محیط‌زیستی به عنوان ابزاری مدیریتی را گوشزد نمود (DuBose et al, 1995).

همچنین، در این کنفرانس بر لزوم تلفیق ملاحظات محیط‌زیستی در استراتژی‌های توسعه و استفاده بهینه از منابع طبیعی جهت بهبود کیفیت زندگی مردم به ویژه در کشورهای در حال توسعه تأکید گردید. پس از کنفرانس استکهلم، به تدریج اهمیت پیوند بین محیط‌زیست و توسعه آشکار گردیده و واژگانی همچون محیط‌زیست و توسعه، توسعه بدون تخریب مطرح شده و در نهایت در ۱۹۷۸، واژه توسعه اکولوژیکی در گزارش برنامه محیط‌زیست ملل متحد نمودار گردید (Mebratu, 1998). نقطه اوج این رویکرد نوین، طراحی استراتژی جهانی حفاظت توسط اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و با همکاری صندوق جهانی حیات وحش (WWF) و برنامه محیط‌زیست ملل متحد در ۱۹۸۰ بود که برای نخستین بار، سعی نمود مسائل مرتبط با محیط‌زیست و توسعه را تحت مفهوم حفاظت یکپارچه سازد (Tryzna, 1995). اگرچه در متن این استراتژی، اشاره‌ای به واژه توسعه پایدار نشده بود، اما زیرعنوان در نظر گرفته شده برای این استراتژی، حفاظت از منابع زنده برای توسعه پایدار بود (Khosla, 1995). سرانجام در ۱۹۸۷، کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه (WCED) موسوم به کمیسیون برانتلند با محوریت همکاری‌های جهانی در مسائل توسعه برگزار گردید و واژه توسعه پایدار و تعریف آن بصورت رسمی و برای اولین بار مطرح شد. طبق تعریف این کمیسیون، توسعه

حلقه اتصال بین اندیشه‌های بنیادین و نظری و سیاست‌های معطوف به عمل اجتماعی است. عمده‌ترین ویژگی‌های یک نظریه سیاستی، تجویزی بودن، هنجاری بودن، معطوف به عمل حاکمیتی بودن و موردی بودن هستند. در عین حال، برخی همچون ویلیام دان، این نظریات را به مثابه نوعی الگو یا مدل می‌دانند و از آن‌ها به الگوهای سیاستی تعبیر می‌نمایند (Dunn, 2004). از مهمترین کارکردهای نظریات سیاستی ایجاد شفافیت در تعیین اولویت‌های سیاستی است. بدین معنا که مبنایی مستدل را جهت ارجحیت‌بخشی به یک یا چند گزینه سیاست‌گذاری نسبت به سایر گزینه‌های مطرح، ایجاد می‌نماید. ترجیح هر گزینه سیاست‌گذاری چنانکه در توضیح سلسله مراتب نظریه‌پردازی بیان گردید، مبتنی بر انتخاب از بین نظریات مختلفی است که گزینه‌های سیاست‌گذاری بر مبنای آنها شکل گرفته و انتخاب نظریه نیز به نوبه خویش، بستگی به سطح فرا نظریه و ارزش‌ها و هنجارها دارد. بدین ترتیب، تدوین نظریه سیاستی منجر به یکسان‌سازی و ایجاد انسجام نظری در اسناد و برنامه‌های پایین‌دستی می‌شود. از این منظر، نظریه‌های سیاستی، حاکم بر اسناد گوناگون سیاستی بوده و دیگر اسناد سیاستی با الهام از آن‌ها تدوین می‌شوند (اشتریان، ۱۳۹۱: ب).

۴- روش پژوهش

در دهه‌های اخیر، مفهوم توسعه پایدار از جمله ایده‌های مسلط بر سیاست‌گذاری توسعه و محیط‌زیست در بسیاری از کشورهای جهان بوده است. از این رو، این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان ایده توسعه پایدار را به عنوان یک نظریه سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست به شمار آورد؟ همچنین، در صورتی که این نظریه نمونه‌ای از نظریات سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست باشد، چه تأثیری بر سیاست‌های تدوینی در حوزه محیط‌زیست به ویژه در ایران داشته است؟ به منظور بررسی این پرسش‌ها از رویکرد روش‌شناختی توصیفی-هنجاری استفاده می‌گردد. بدین ترتیب که برای تحقیق در پرسش نخست، ضمن مرور و توصیف روند تکوین مفهوم توسعه پایدار و به ویژه تعاریف نهادی ارائه شده، معطوف به عمل اجتماعی و حاکمیتی بودن آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین، جهت بررسی وجه هنجاری بودن این ایده، با تحلیل معرفت‌شناسانه، زبان‌شناسانه و توجه به ایده‌های تاریخی مؤثر بر شکل‌گیری آن، کوشش می‌گردد که پیش‌فرض‌های هنجاری موجود در مفهوم توسعه پایدار، کشف و تبیین شود. بررسی پرسش دوم، از طریق مرور و تحلیل قوانین برنامه پنج‌ساله اول تا پنجم ایران صورت خواهد گرفت.

۵- معرفی مورد پژوهش

با وجود سابقه طولانی اندیشه‌های زمینه‌ساز طرح مفهوم پایداری در فرایند توسعه، آغاز توجه جدی به این مفاهیم در سطح

بهبهینه‌گرا که نظریاتشان در گزارش‌های توسعه جهان بانک جهانی تبلور یافته، معتقدند که می‌توان با اتخاذ سیاست‌های مناسب توسط کشورها، با هزینه نسبتاً اندکی بر محدودیت‌های مذکور غلبه نمود. برخی بر این باورند که ابهامات فراوان و تفاسیر متضاد از مفهوم توسعه پایدار، کارایی عملی آن را در معرض تردید قرار داده و این مفهوم را به واژه‌های سطحی و صرفاً دارای ظاهری مناسب و مورد توافق تبدیل نموده است (Low and Glee-son, 2005). اما علی‌رغم تفاوت اصطلاحات و تفاسیر مفهومی و اختلاف نظرهای اجرایی در مورد توسعه پایدار، چندین اصل به عنوان اصول اساسی چنین توسعه‌ای، به طور گسترده مورد اجماع و توافق سیاسی تمامی کشورها قرار گرفته است. از جمله آن‌که سیستم انسانی جزء مهمی از اکوسیستم بوده و هم‌پایداری جامعه زمانی حاصل می‌شود که هم شرایط انسانی و هم وضعیت اکوسیستم در آن رضایت‌بخش یا در حال بهبود باشد (زاهدی، ۱۳۸۶). همچنین توسعه پایدار، مستلزم تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط‌زیستی، جهت حداکثر نمودن رفاه انسان فعلی، در کنار تضمین توانایی نسل‌های بعدی برای برآوردن نیازهایشان است (OCED, 2001: 11).

در میان تعاریف و تفاسیر ارائه شده از توسعه پایدار، تعاریف نهادی ارائه شده، به شکل بارزی گویای آن است که این نظریه به دنبال ارائه یک سازوکار عمل اجتماعی جهت حفاظت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست است. از جمله مهمترین تعاریف نهادی توسعه پایدار، تعاریف ارائه شده توسط WCED، مؤسسه بین‌المللی محیط‌زیست و توسعه (IIED) و شورای تجارت جهانی برای توسعه پایدار (WBCSD) بوده و نقطه اشتراک تمامی آن‌ها، استفاده از منابع طبیعی در حد برآورده ساختن نیازهاست. نقاط تمایز این تعاریف نیز در تعیین کانون راه‌حل پایداری پیشنهادی، سطح آغاز ختم‌های سیاستی و کانون رهبری اجرایی سیاست‌های توسعه پایدار است. جدول ۲، تعاریف مذکور را بر اساس این سه مؤلفه با یکدیگر مقایسه نموده است. تعاریف WCED به عنوان مشهورترین و پراستنادترین تعاریف از توسعه پایدار، پیشتر مورد بحث قرار گرفت. بر اساس جدول ۲، ویژگی اصلی تعاریف IIED نیز تأکید بر توانمندسازی مردم برای تأمین نیازهای اساسی خود، در ضمن آگاه‌سازی آنان از محدودیت‌های اکولوژیکی است. لذا مطابق تعاریف IIED که تمرکز آن بر توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه است، مردم و تشکل‌های مردمی، رهبری اجرایی دستیابی به توسعه پایدار را به عهده دارند.

پایدار، توسعه‌ای است که احتیاجات نسل حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهای خود برآورده نماید (WCED, 1987: 43). دو مفهوم کلیدی در این تعریف، تأمین نیازها به ویژه نیازهای ضروری و حیاتی جوامع ملل فقیر و نیز مفهوم محدودیت رشد است که بسته به مقیاس اجتماعی و سطح تکنولوژیکی دولت‌ها جهت ایجاد توازن بین تأمین نیازهای حال و آینده ارائه گردیده است. بدین ترتیب تعریف مذکور، تلاش نمود بین کاهش فقر، بهبود محیط‌زیستی و برابری اجتماعی در پرتو رشد اقتصادی پایدار، ارتباط ایجاد نماید (Me-bratu, 1998).

رویداد مهم دیگری که پس از کمیسیون برانتلند، بر تحول مفهومی توسعه پایدار تأثیر شایان توجهی گذارد، کنفرانس ۱۹۹۲ ریودوژانیرو، موسوم به کنفرانس توسعه و محیط‌زیست ملل متحد (UNCED) بود. پیش از تشکیل این کنفرانس، چهار کمیته مقدماتی جهت زمینه‌سازی برگزاری آن در نقاط مختلف جهان برگزار گردید. علاوه بر این از هر یک از کشورهای عضو سازمان ملل خواسته شد تا گزارشی از وضعیت کنونی محیط زیست و توسعه ملی خود و نیز یک برنامه اقدام جهت بهبود وضعیت خود بر اساس چارچوب توسعه پایدار ارائه دهد. کنفرانس ریو، دستاوردهای مهمی همچون بیانیه ریو، دستورکار ۲۱، تشکیل کمیسیون توسعه پایدار در سازمان ملل متحد و انعقاد قراردادهایی در زمینه بیابان‌زدایی، تنوع زیستی و تغییر اقلیم در پی داشت. علاوه بر این، دستورکار ۲۱، دولت‌ها را موظف نمود که چارچوب استراتژیکی خاصی را جهت تلفیق اهداف توسعه‌ای و محیط‌زیستی انتخاب نمایند (طراوتی و ایافت، ۱۳۷۷: ۱۲۰). اما با این وجود، اقدامات مقدماتی پیش از کنفرانس، اثرات بسیار چشم‌گیرتری برگسترش مفاهیم پایداری در نقاط مختلف جهان و آغاز تلاش‌ها جهت چگونگی اجرای توسعه پایدار در کشورهای گوناگون گذارد.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- نگاهی به تعاریف نهادی توسعه پایدار

در دوره پس از برگزاری کنفرانس ریو، اختلاف‌نظرها و ابهامات فراوانی در زمینه نحوه انطباق این مفاهیم با ویژگی‌ها و اقتضائات هر کشور به وجود آمد. این امر موجب تحول معنایی، تفاسیر متعدد و اختلاف‌نظرهای فراوان بر سر طراحی استراتژی سیاسی مناسب جهت پیاده‌سازی توسعه پایدار در مناطق مختلف گردید (Daly, 2014). برخی همچون طرفداران مکتب محدودیت رشد که نظریات خویش را در گزارش کلوب رم نمودار ساخته‌اند، بر محدودیت‌های منابع طبیعی برای رشد اقتصادی را قطعی و غیر قابل تغییر دانسته و عدم توجه به آن را موجب فروپاشی حیات در زمین می‌دانند. در مقابل، تکنوکرات‌ها و اقتصاددانان

۶-۲- تحلیل برخی از پیش‌فرض‌های هنجاری مفهوم توسعه پایدار

● ایده‌های متافیزیکی و باورهای مذهبی

اندیشه‌های متافیزیکی و مذهبی گوناگون و متنوعی در تکوین، گسترش و تفسیر نظریه توسعه پایدار ایفای نقش کرده‌اند. از جمله آنها می‌توان به ایده پیوستگی و وحدت وجودی انسان و طبیعت به عنوان یک کل واحد اشاره نمود که در دیدگاه‌های فیلسوفانی مانند اسپینوزا و پیروان وی مانند آرنه نئیس و طرفداران مکتب اکولوژی عمیق تحت عنوان ایده خود ادراکی بازتاب یافته است (Naess, 2017). طرفداران این مکتب، ضمن نقادی شالوده‌های معرفت‌شناسانه تمدن غربی، ریشه حل مشکلات محیط‌زیستی معاصر را انسان‌محوری به عنوان عنصر محوری مشروعیت‌بخش به استعمار و بهره‌کشی از طبیعت می‌دانند. به باور ایشان، توقف این نحوه تعامل با طبیعت، جز با جایگزینی طبیعت‌محوری به جای انسان‌محوری در نظام معرفتی تمدن غرب ممکن نیست. از سوی دیگر، باورهای دینی غیرپیشرفته، همچون مذاهب قبایل بومی آفریقا نیز انسان را عضوی از جهان می‌دانند که بایستی در هماهنگی و دوستی با هستی و اطاعت از قوانین اخلاقی، طبیعی و رازآلود آن زندگی نماید (Mebratu, 1998). تذکر این نکته لازم است که اندیشه‌های مذکور، از نظر برخی مؤلفه‌ها از جمله نحوه تعامل انسان و طبیعت، ماهیت طبیعت و نیز پیش‌فرض‌های فلسفی- اخلاقی، اختلاف‌نظرهایی با مفهوم پایداری و توسعه پایدار دارند. از جمله پیروان مکتب اکولوژی عمیقاً بر ارزش ذاتی طبیعت و حفاظت حداکثری از آن تأکید می‌کنند و با آن دسته از دیدگاه‌های معتقد به پایداری که حفاظت از محیط‌زیست را به منظور بهره‌برداری مستمر از آن توصیه می‌نمایند، مخالفت می‌ورزند. اما با این وجود، ایده یکپارچگی انسان و طبیعت به عنوان یک کل واحد و ضرورت زیستن انسان در هماهنگی با طبیعت و جامعه در این دیدگاه‌ها، یکی از پیش‌فرض‌های مهم مؤثر بر مفهوم پایداری و توسعه پایدار بوده است.

● نظریه محدودیت‌های محیطی رشد در اقتصاد

توجه به نقش محدودیت‌های منابع طبیعی در رشد اقتصادی، نخستین بار در دیدگاه‌های اقتصاددانان بدبین کلاسیک همچون توماس مالتوس و ریکاردو، بازتاب یافت. به نظر مالتوس، ریشه اصلی نابسامانی‌ها و مشکلات به وجود آمده در جوامع پس از انقلاب صنعتی، نه به علت اثرات منفی صنعتی شدن که ناشی از رشد بیش از حد جمعیت انسان است. به نظر وی، رشد جمعیت به صورت تصاعد هندسی و رشد منابع در بهترین حالت بصورت تصاعد عددی است. از این رو، مالتوس و ریکاردو به ترتیب معتقد بودند که در بلندمدت، به علت کمیابی منابع طبیعی و بازده نزولی سرمایه، منحنی تولید کل ثابت شده و رشد جمعیت و رشد اقتصادی متوقف خواهد گردید. به باور ایشان، این امر، نه از جهت کمیابی مطلق منابع که ناشی از کمیابی زمین‌های حاصلخیز

همچنین، تعریف WBCSD، ضمن تأکید بر ارتباط ناگسستنی رشد اقتصادی و حفاظت از محیط‌زیست، رهبران اتحادیه‌های صنفی تجاری و صنعتی را به عنوان محور جنبش دستیابی به پایداری محیط‌زیست می‌داند. بر این مبنا، صنایع و واحدهای تجاری بایستی در طراحی استراتژی‌های خویش، به جای تمرکز بر حداکثرسازی ارزش افزوده، بر حداکثر نمودن کارایی اکولوژیکی مصرف منابع تکیه نمایند. چنانکه ملاحظه می‌شود، از منظر هر سه این تعاریف، اجرای توسعه پایدار، نیازمند تصمیم‌گیری، مداخله و هدایت نهادی اجتماعی است. از این منظر می‌توان این تعاریف را دربردارنده ویژگی تجویزی و معطوف به عمل اجتماعی بودن نظریات سیاستی دانست. البته باید توجه داشت که این تعاریف در مورد نهاد مسئول رهبری اجرایی توسعه پایدار با یکدیگر اختلاف دارند. اما از میان آن‌ها، تعریف WCED که دولت‌ها و ساختارهای حاکمیتی ملی و بین‌المللی را به عنوان کانون رهبری و هدایت اجرایی معرفی می‌نماید، بیشترین انطباق را با ویژگی یک نظریه سیاستی مبنی بر پیشنهاد سازوکاری حاکمیتی برای دستیابی به اهداف دارد.

جدول ۲- مقایسه تحلیلی تعاریف نهادی ارائه شده از توسعه پایدار (Mebratu, 1998)

نهاد پیشنهاد دهنده	انگیزه و پشتوانه	کانون راه‌حل	سطح آغاز خط مشی‌ها	کانون رهبری اجرایی
WCED	توافق سیاسی	رشد پایدار	ملت- دولت	دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی
IIED	توسعه روستایی	مراقبت محیط‌زیستی اولیه	جوامع	NGO های ملی و بین‌المللی
WBCSD	منافع تجاری	کارایی اکولوژیکی	تجارت و صنعت	رهبران اتحادیه‌های صنفی

دیدگاه هگلی نسبت به تاریخ، موجب گردید که توسعه از مفهوم دگرگونی به سوی شکلی مناسب از وجود، به مفهوم دگرگونی به سمت شکلی همیشه کامل از وجود، متحول شده و با واژه تکامل مترادف گردد. بنابراین توسعه به معنای فرایندی مطرح شد که از طریق آن استعدادهاى نهفته و توانایی‌های بالقوه یک شیء یا ارگانیسم شکوفا می‌شود تا این که به شکل طبیعی و کامل و بلوغ نهایی‌اش برسد. با این استعاره امکان نشان دادن هدف توسعه و بعد برنامه آن فراهم شد. از ربع آخر قرن هجدهم میلادی، این استعاره بیولوژیکی، توسط افرادی چون ژوستوس موزر و هربرت اسپنسر در حوزه جامعه‌شناسی و جهت تشریح فرایند تدریجی تغییرات اجتماعی به کار برده شد. در این دیدگاه که به نظریه تکامل اجتماعی یا داروین‌سیم اجتماعی مشهور گردید، جامعه به مثابه یک ارگانیسم زیستی تلقی شده و مراحل و قوانین تاریخی توسعه جامعه همانند مراحل و قوانین زیستی حاکم بر رشد و تکامل ارگانیسم زنده طبق نظریه داروین تبیین گردید (موثقی، ۱۳۸۳). کارل مارکس نیز ادغام مفهوم هگلی تاریخ و مفهوم داروینی تکامل در مفهوم توسعه را از منظر اقتصادی مطرح نموده و بدین ترتیب زمینه‌ساز شکل‌گیری نظریه نوسازی در توسعه اقتصادی گردید.

بنابراین از منظر تاریخ تمدن، توسعه در مفهوم جامع آن، صورتی از خلاقیت ذهنی و توان ابزارسازی انسان برای به فعلیت رساندن و رفع موانع شکوفایی استعداد نهفته موجود در یک منبع و انتقال مازاد آن است به نحوی که فرآورده‌های این موهب هرچه بیشتر حفظ شود و به نسل‌های بعدی که تاریخ عبارت از توالی آن‌ها و میراث برجای مانده آن‌هاست منتقل گردد. لذا این فرایند موجب تأمین نیازهای نسل حاضر و انتقال ذخیره‌ها و منابع مازاد به نسل‌های بعدی و تداوم مسیر تکامل یک تمدن می‌گردد. اگرچه ایده پایداری، در انتقاد و مخالفت با ایده نوسازی در توسعه مطرح گردیده و آن را به چالش کشیده است، اما در تعریف توسعه پایدار نیز، برخی مبانی مفهوم توسعه در مکتب نوسازی، همچون ایده تکامل اجتماعی، حفظ گردیده است؛ به طوری که در تعریف WCED، نسل‌های متوالی، اجزای یک کل واحد یعنی تاریخ در نظر گرفته شده‌اند که پی‌درپی جانشین یکدیگر می‌گردند و تأثیرات اقدامات و بهره‌برداری آن‌ها از منابع به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. بنابراین، بهره‌برداری بیش از حد از منابع که یک ویژگی منفی اکتسابی برای جامعه تلقی می‌گردد، توانایی جوامع جانشین بعدی در هماهنگی با محیط زندگی‌شان را کاهش داده و مانع تداوم مسیر تکامل، توسط ایشان می‌گردد. از این رو، بر اساس این تبیین، جهت استمرار فرایند ضروری تکامل جوامع، توازن بین بهره‌برداری و محدودیت‌های منابع در هر نسل، باید به نحوی تنظیم گردد که امکان بهره‌برداری نسل‌های آتی از منابع و برآورده ساختن نیازهای ضروری ایشان به خطر نیفتد.

مرغوب است. چرا که با رشد جمعیت و اتمام زمین‌های مرغوب در بلندمدت، بایستی به ناچار از زمین‌های کمتر حاصلخیز که بازده محصول کمتری دارند استفاده شود (دادگر، ۱۳۸۳). اگرچه نوآوری‌های تکنولوژیکی همچون استفاده از کودها موجب افزایش برداشت از زمین‌های کشاورزی به ازای هر واحد سرمایه و در نتیجه حفظ سیر صعودی منحنی تولید کل گردید، اما موجب از بین رفتن تمایل این منحنی به سوی بازده نزولی نشد. به عبارت دیگر نوآوری‌های تکنولوژیک تنها زمان توقف رشد اقتصادی را به تأخیر انداخت. به هر حال، تأثیر این نظریه بر مفهوم توسعه پایدار، در گزارش‌هایی مانند گزارش کلوب رم و در قالب تأکید بر محدودیت منابع محیط‌زیستی برای توسعه نمودار شده است.

● نظریه تکامل اجتماعی

مفهوم توسعه که به تدریج جایگزین مفاهیم دیگری نظیر ترقی، تکامل و رشد گردید، در ابتدا از علوم طبیعی استخراج گردید و سپس در مورد فرایند تغییر در جوامع بشری به کار گرفته شد. واژه توسعه در نخستین کاربردش به زبان فرانسه و انگلیسی در سال ۱۷۵۲ به معنای رسیدن به اهداف یا ایده‌هایی طبق یک طرح یا برنامه بود. سپس این واژه به مثابه توالی بیولوژیکی تغییر از یک دانه و تخم گیاه به یک گل به کار گرفته شد (Hass, 1992: 15). در معنای لغوی واژه توسعه نیز که به معنی خارج شدن از پوشش و لفافه، یا بروز و ظهور نمودن همه آنچه که به طور بالقوه در چیزی وجود دارد، یا رشد و تکامل یک ارگانیسم از نوع و حالتی ساده‌تر به نوع و حالتی کامل‌تر، بالاتر، پیچیده‌تر در حد بلوغ و کمال است، همین کاربرد مستتر است (Riggs in sartori, 1984: 126). طرح فرضیه تکامل انواع از سوی داروین، مهمترین عامل زمینه‌ساز به کارگیری توسعه برای توصیف تغییرات بیولوژیکی بود. داروین تحت تأثیر نظریه محدودیت رشد مالتوس، معتقد بود که رشد و تولیدمثل موجودات زنده توسط محدودیت منابع طبیعی کنترل می‌شود. بنابراین وی در فرضیه خویش، بیان نمود که مکانیسم انتخاب طبیعی و گزینش اصلح، موجب می‌گردد که در بین افراد یک گونه و نیز گونه‌های مختلف، تنها موجوداتی که بیشترین سازگاری را با محیط زندگی خویش داشته باشند، باقی بمانند. صفات و ویژگی‌های کسب شده توسط این موجودات، به صورت موروثی به نسل‌های بعدی منتقل می‌گردد. بنابراین افراد و گونه‌های تکامل یافته‌تر در طول زمان، جانشین سایر موجودات می‌شوند. از این رو، پیدایش نسل‌های بعدی یک گونه و نیز گونه‌های جدید، حاصل بقای موجودات سازگارتر با محیط، انتقال صفات آنان به نسل‌های بعد و دگرگونی تدریجی در طول زمان است. داروین تحت تأثیر تلقی هگلی، فیلسوف آلمانی، از تاریخ که آن را یک کل واحد و ضرورتاً رو به تکامل می‌دانست، معتقد بود مسیر دگرگونی بیولوژیکی نیز ضرورتاً رو به تکامل است. زیرا طبیعت همواره موجودات و صفات برتر و سازگارتر را حفظ می‌نماید. به این ترتیب، تلفیق فرضیه تکامل انواع داروین و

● ایده مقیاس سازمان در اقتصاد سیاسی

بر اساس این دیدگاه، در جوامع سنتی پیش از انقلاب صنعتی، به علت ساده بودن نیازهای جوامع و محدود بودن توان بهره‌برداری بشر از طبیعت به توان بدنی و نیروی حیوانات اهلی، جوامع به لحاظ تأمین نیازهایشان، خودبسنده بودند و قادر نبودند بیش از میزان نیازشان از طبیعت استفاده نمایند. بنابراین شدت و گستره اثرات منفی محیط‌زیستی ناشی از بهره‌برداری بشر از منابع طبیعی و تولید آلاینده‌ها محدود بود. اما تحولات فناوری و علمی دوره پس از انقلاب صنعتی به ویژه اختراع ماشین بخار، منجر به ارتقای ابزارهای بهره‌برداری بشر و در نتیجه افزایش توان مصرف منابع و تولید آلاینده‌ها شد. این امر موجب تولید مازاد محصول و بهره‌برداری بیش از اندازه نیاز از منابع طبیعی گردید و اثرات تخریبی فراوانی بر محیط زیست برجای گذارد. اساس این تبیین، مبتنی بر تحلیل‌های اقتصاد سیاسی و نظریه مارکس در مورد تمایز بین تولید در حد نیاز و تولید مازاد محصول (آلمندینگر، ۱۳۸۹: ۱۴۰-۱۳۹) و به عبارت دیگر، مقیاس سازمان و تولید استوار است. به باور مکتب اقتصاد سیاسی، مقیاس سازمان باید به عنوان یک مسأله مستقل و اولیه، به صورت جداگانه مورد توجه قرار گیرد (Roszak, 1989). از این منظر مقیاس متمرکز، پیچیده و بزرگ جوامع، منجر به انباشت قدرت مطلقه، رشد و توسعه سرمایه‌داری، مصرف بیش از حد منابع و ایجاد روزافزون زائدات و به تبع آن تخریب محیط‌زیست می‌گردد. در حالی که مقیاس‌های کوچک به جهت مصرف منابع کمتر و تولید زائدات اندک‌تر، سازگاری بیشتری با طبیعت داشته، اثرات منفی تخریبی بسیار محدودتری دارند. شوماخر، بر اساس همین اندیشه، ایده محدود نمودن مقیاس رشد، استفاده از سطح تکنولوژی متناسب با توان منابع و اندازه و نیازهای جمعیت را مطرح نمود (شوماخر، ۱۳۸۹). تأثیر ایده شوماخر و در حقیقت اندیشه مقیاس سازمان در اقتصاد سیاسی بر تعاریف نهادی توسعه پایدار، به صورت تأکید بر استفاده از منابع طبیعی در حد برآورده ساختن نیازها و نیز توجه همزمان به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی سیستم مشاهده می‌گردد.

● نظریه اصالت سود

مطابق تعریف کمیسیون برانتلند، توسعه پایدار بایستی ضمن تأمین نیازهای نسل حاضر، امکان تأمین نیازهای نسل‌های آینده را به خطر نیندازد. این تعریف، آشکارا یادآور اندیشه اصالت سود است که بیشترین سود برای بیشترین افراد در طولانی‌ترین مدت ممکن را توصیه می‌نماید. ون هیس، چنین اخلاق بهره‌برداری از طبیعت را اخلاق حفاظت‌گرایان می‌نامد (سلمان ماهینی، ۱۳۸۸: ۳۰۴). اندیشه اصالت سود یا فایده‌گرایی برای نخستین بار در سنت فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی انگلستان مطرح شد. بر مبنای این اندیشه که شاخص‌ترین بنیانگذاران این اندیشه جرمی بنتام و جان استوارت میل هستند، معیار ارزشمند بودن یک عمل، حداکثر سود و فایده‌ای است که از آن عمل برای بیشترین تعداد افراد جامعه

حاصل می‌شود. بدین معنا که هر چه عملی، امکان تحقق حداکثری اهداف و کسب بیشترین سود برای بیشترین تعداد افراد جامعه را افزایش دهد، ارزشمندتر خواهد بود. بنابراین فرد یا جامعه بایستی با ارزیابی اهداف خود و اعمال و ابزارهای ممکن برای رسیدن به اهداف، آن دسته از اعمال و ابزار را برگزیند که به تحقق اهداف و بهیچ‌نوعی سودش بیشتر کمک نماید (Mill, 2007).

در مجموع، تحلیل معرفت‌شناختی، هرمنوتیکی و توجه به ریشه‌های تاریخی مفهوم توسعه پایدار، بیانگر وجود پیش‌فرض‌های هنجاری مؤثر در تکوین آن است. بنابراین به نظر می‌رسد، توسعه پایدار در قالب یک نظریه، در بردارنده ویژگی هنجاری بودن یک نظریه سیاستی نیز می‌باشد. همچنین چنانکه در بررسی تعاریف نهادی توسعه پایدار مشخص گردید، این نظریه دارای ویژگی‌های تجویزی و معطوف به عمل حاکمیتی بودن نیز هست. از این گذشته، این نظریه، تأثیر عملی وسیعی بر سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در کشورهای گوناگون جهان برجای گذارده است. بنابراین با توجه به تمامی موارد مذکور، می‌توان نظریه توسعه پایدار را مصداقی از نظریات سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست دانست.

● تأثیرپذیری سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در ایران از نظریه توسعه پایدار

پس از انتشار گزارش کمیسیون برانتلند و برگزاری اجلاس ریو، اهمیت توسعه پایدار در تدوین سیاست‌های توسعه در سطح ملی و بین‌المللی پیوسته رو به افزایش بوده است به طوری که آن را به هسته اساسی اسناد سیاستی دولت‌ها، مؤسسات بین‌المللی و سازمان‌های تجاری تبدیل نموده است. برنامه‌های پنج‌ساله توسعه ایران و به ویژه مواد مرتبط محیط‌زیست در آن‌ها نیز گویای تأثیر پذیری این اسناد از نظریه توسعه پایدار است. از جمله در بند الف تبصره ۸۲ برنامه دوم توسعه، انجام هر گونه فعالیت صنعتی و معدنی منوط به در نظر گرفتن اهداف توسعه پایدار و رعایت ضوابط و استانداردهای محیط‌زیستی گردیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳). ماده ۱۰۴ برنامه سوم توسعه، بر بهره‌گیری پایدار از منابع طبیعی کشور، حفظ و حراست از منابع پایه و ذخائر ژنتیکی، مدیریت یکپارچه منابع پایه، نهادینه کردن مشارکت مردم در برنامه ریزی و تقویت و پشتیبانی از سازمانهای غیردولتی حامی محیط زیست و منابع طبیعی تأکید می‌ورزد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹). در ماده ۵۹ برنامه چهارم توسعه، ضرورت برآورد ارزش‌های اقتصادی منابع طبیعی و محیط‌زیستی و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط‌زیست در فرایند توسعه و محاسبه آن در حسابهای ملی الزامی گردیده است. همچنین در بند الف ماده ۶۴ و ماده ۶۵ این برنامه، به ترتیب سازمان محیط‌زیست مکلف به ارتقای آگاهی‌های عمومی جهت دستیابی به توسعه پایدار و دولت موظف به تدوین اصول توسعه پایدار بوم شناختی شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳). برنامه پنجم توسعه نیز در بردارنده موارد متعددی

مقطعی بر محدودیت‌های بین‌المللی و قطع وابستگی ناشی از واردات در کوتاه‌مدت است. اما گزینه دیگر، بهره‌برداری در حد ظرفیت و توان از منابع جهت حفظ و استفاده مستمر و طولانی‌مدت از آن‌هاست که منجر به حفظ سرمایه‌های کشور، قطع وابستگی ناشی از تخریب منابع طبیعی و نیاز به واردات محصولات اساسی در درازمدت می‌گردد. اما اتخاذ چنین گزینه‌ای در کوتاه‌مدت ممکن است موجب نیازمندی به واردات کالاهای اساسی و در نتیجه آسیب‌پذیری در برابر فشارها و تحریم‌های خارجی گردد. چنانکه مشخص است هر دوی این گزینه‌ها می‌تواند جهت تحقق هدف مذکور به کار گرفته شود. اما ابهام نظری موجود در نظام سیاست‌گذاری موجب شده که معیار شفافیت جهت تعیین ارجحیت یکی از این دو گزینه مشخص نگردد و این زمینه عدم شفافیت در تصمیم‌گیری را ایجاد می‌کند. بطوریکه بهره‌برداری نامتناسب از منابع جهت دستیابی به خودکفایی، بعضاً هم موجب تخریب منابع طبیعی کشور گردیده و هم نیاز به واردات کالاهای اساسی را برطرف ن ساخته است.

نمونه دیگر، قانون مربوط به الزام انجام ارزیابی محیط‌زیستی برای تمامی طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی و خدماتی است. به موجب ماده ۱۰۵ قانون برنامه سوم، چنین پروژه‌هایی بایستی پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات امکان‌سنجی و مکان‌یابی، براساس ضوابط پیشنهادی شورای عالی حفاظت محیط زیست و مصوب هیأت وزیران مورد ارزیابی زیست محیطی قرار گیرند. همچنین رعایت نتایج حاصل از این ارزیابی‌ها، برای مجریان طرح‌ها و پروژه‌های مذکور الزامی دانسته شده است. اما در تبصره همین ماده، بیان گردیده که سازمان حفاظت محیط زیست موظف است راهکارهای عملی و اجرایی پروژه‌های عمرانی و اشتغال‌زایی در مناطق حفاظت شده را به طریقی فراهم نماید که ضمن رعایت مسائل محیط‌زیستی، طرح‌های توسعه عمرانی متوقف نگردد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹). چنانکه ملاحظه می‌گردد، در این تبصره، نوعی ابهام در اولویت‌دهی به گزینه‌های سیاستی در زمینه اجرای طرح‌های عمرانی اثرگذار بر محیط‌زیست وجود دارد؛ زیرا حد قابل قبول اثرات محیط زیستی ناشی از طرح‌های عمرانی و پیش‌بینی راهکاری برای تحلیل هزینه-فایده محیط‌زیستی این طرح‌ها مشخص نگردیده است.

بطوریکه مشخص نیست اگر اجرای طرح عمرانی خاصی موجب ایجاد اثرات منفی محیط زیستی غیر قابل جبران گردد، آیا اولویت با توقف آن طرح به منظور بهره‌برداری اصولی و پایدار از منابع است یا اجرای طرح مذکور علی‌رغم اثرات مخرب آن. به بیان دیگر معیار ارجحیت‌دهی بین گزینه‌های بهره‌برداری پایدار از منابع و رعایت مسائل محیط‌زیستی و اجرای طرح‌های عمرانی به هر قیمت ممکن مشخص نگردیده است. سیاست‌های عملی اتخاذ شده در طول دهه‌های اخیر، در بردارنده موارد متعددی از اثرات منفی چنین ابهام نظری در نظام سیاست‌گذاری است که موجب کاهش کارایی و تأثیرگذاری عملی ارزیابی‌های

از توصیه‌های سیاستی متأثر از نظریه توسعه پایدار است. چنانکه، در ماده ۱۸۴ و ۱۸۵ بر تدوین و اجرای شاخص اثرات محیطی توسعه و شاخص ظرفیت زیستی، شاخص‌های پایداری در سطوح منطقه‌ای و ملی، ایجاد نظام شاخص‌های پایداری محیطی و متعادل سازی بار محیطی و کنترل اثرات توسعه بر محیط طبیعی و انسانی تا سال دوم برنامه، تأکید شده است. در ماده ۱۸۷، بند الف ماده ۱۸۹ و ماده ۱۹۲، به ترتیب بهره‌برداری پایدار از محیط زیست، ارتقای آگاهی‌های عمومی جهت دستیابی به توسعه پایدار و حفظ محیط زیست و اجرای حسابداری محیط‌زیستی خاطر نشان گردیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹). اگرچه مواد فراوان دیگری را می‌توان به عنوان شاهدی از تأثیر نظریه سیاستی توسعه پایدار بر تدوین سیاست‌های محیط‌زیستی کشور ذکر نمود، اما بیان همین مقدار جهت اثبات ادعای مذکور کافی به نظر می‌رسد.

اما علی‌رغم تأثیر بارز نظریه سیاستی توسعه پایدار بر تدوین سیاست‌های محیط‌زیستی کشور، سیاست‌گذاری در این عرصه، همچنان دچار برخی ابهامات و چالش‌های نظری ناشی از فقدان نظریه سیاستی است؛ از جمله، چنانکه پیشتر اشاره گردید، از عمده‌ترین فواید نظریه‌پردازی کاربردی و وجود نظریه سیاستی در نظام سیاست‌گذاری، ایجاد انسجام در اسناد سیاستی از طریق ارائه مبنایی شفاف و مستدل جهت اولویت‌بندی بین گزینه‌های موجود سیاست‌گذاری است. اما برخی مواد مرتبط با محیط‌زیست، در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور، نشانگر آن است که با وجود هماهنگی نسبی این مواد، در پاره‌ای از موارد، معیار تعیین ارجحیت گزینه‌های سیاستی، با ابهام و عدم شفافیت روبه‌روست. به عنوان نمونه، در بند یک ماده ۱۰ از خط‌مشی‌های اساسی برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و نیز ماده ۱۰۴ برنامه سوم، به ترتیب بر بهره‌برداری اصولی و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی کشور تأکید گردیده است. همچنین حد و معیار بهره‌برداری پایدار و اصولی از منابع، در بند الف تبصره ۸۲ برنامه دوم و بند الف ماده ۱۰۴ برنامه سوم، توان بالقوه منابع محیط زیست و ظرفیت قابل تحمل محیط تعریف گردیده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳؛ ۱۳۷۹).

از سوی دیگر، بر اساس تبصره ۷۳ و ۷۴، سیاست‌های برنامه دوم توسعه، بر تأمین هدف توسعه اقتصادی و حفظ استقلال کشور با محوریت کشاورزی، منابع طبیعی و آب متمرکز گردیده است. در بند ب تبصره ۷۵ نیز بر خودکفایی در تأمین مواد غذایی و فراورده‌های دامی مورد نیاز کشور در سال پایان برنامه تأکید شده که گامی در جهت تحقق هدف حفظ استقلال است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳). به منظور تحقق این هدف، حداقل دو گزینه سیاستی متضاد متصور است که در طی سال‌های گذشته در مقام عمل نیز مورد اختلاف نظر تصمیم‌گیرندگان کشور بوده است. گزینه نخست بهره‌برداری حداکثری از منابع طبیعی برای دستیابی به خودکفایی، غلبه

نظریه و فرانظریه است. همچنین، تدوین نظریه سیاستی، منجر به یکسان‌سازی و ایجاد انسجام نظری در اسناد و برنامه‌های پایین‌دستی می‌شود.

از سوی دیگر، در دهه‌های اخیر، ابعاد اجتماعی، سیاسی و هنجاری نظریات در برنامه‌ریزی و به ویژه برنامه‌ریزی محیط‌زیست بیش از پیش مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. همچنین، ماهیت برنامه‌ریزی محیط‌زیست که مبتنی بر قضاوت و تصمیم‌گیری درباره عمل اجتماعی است، آن را به طور وسیعی با سیاست‌گذاری اجتماعی و امور سیاسی و سیاستی در عرصه جامعه مرتبط می‌سازد. توجه به این موارد، گویای تأثیرپذیری سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی محیط‌زیست از نظریات سیاستی است. تأثیر روزافزون مفهوم توسعه پایدار، بر سیاست‌گذاری توسعه و محیط‌زیست در بسیاری از کشورهای جهان، به ویژه از زمان برگزاری کنفرانس ریو، این پرسش را مطرح می‌سازد که آیا می‌توان این نظریه را به عنوان یک نظریات سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست به شمار آورد؟ نگاهی به تعاریف نهادی ارائه شده از توسعه پایدار، نشانگر آن است که پیاده‌سازی این ایده، نیازمند تصمیم‌گیری، مداخله و هدایت نهادی اجتماعی است. از این منظر می‌توان این تعاریف را در بردارنده ویژگی تجویزی و معطوف به عمل اجتماعی بودن نظریات سیاستی دانست. از این میان، تعریف کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه که دولت‌ها و ساختارهای حاکمیتی ملی و بین‌المللی را به عنوان کانون رهبری و هدایت اجرایی معرفی می‌نماید، بیشترین انطباق را با ویژگی یک نظریه سیاستی مبنی بر پیشنهاد سازوکاری حاکمیتی برای دستیابی به اهداف دارد.

همچنین، تحلیل معرفت‌شناختی و زبان‌شناختی نظریه توسعه پایدار، بیانگر تأثیر بیش‌فرض‌های ارزشی و هنجاری در شکل‌گیری و تکامل آن است. بنابراین می‌توان، این نظریه را مصداق از نظریات سیاستی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست دانست. نگاهی به برنامه‌های پنج‌ساله توسعه ایران و به ویژه مواد مرتبط محیط‌زیست در آن‌ها نیز گویای تأثیرپذیری این اسناد از نظریه توسعه پایدار است. اما با این وجود، سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در کشور، همچنان دچار برخی معضلات نظری ناشی از فقدان نظریه سیاستی، از جمله شفاف‌نبودن مبنای اولویت‌بندی گزینه‌های سیاست‌گذاری است. این امر تا حدودی ناشی از رویکرد شعاری و عدم التزام عملی به اصول و مبانی هنجاری نظریه توسعه پایدار در ایران است. اما به هر حال، آمیختگی نظریه و به خصوص نظریات سیاستی با هنجارها و ارزش‌ها، گویای امکان و ضرورت تدوین یک نظریه سیاستی مستقل و متناسب با هنجارها، ارزش‌ها و اقتضائات بومی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست ایران است.

محیط‌زیستی پیش‌بینی شده در این قانون شده است. تأکید و اصرار بر اجرای پروژه عمرانی میانگذر دریاچه ارومیه علی‌رغم اثرات منفی فراوان محیط‌زیستی این طرح، اتخاذ روش‌های فنی مخرب جهت اجرای آن و ناکارآمدی ارزیابی محیط‌زیستی انجام شده، نمونه و شاهدهی بر مدعای مذکور است.

به نظر می‌رسد، موارد بیان شده از عدم انسجام سیاست‌های محیط‌زیستی در برنامه‌های توسعه کشور ناشی از چندین عامل اساسی است. نخستین عامل، رویکرد شعاری و عدم التزام عملی به اصول و مبانی هنجاری نظریه توسعه پایدار در ایران است که کارایی این نظریه را در اجرا دچار چالش نموده است. از سوی دیگر، تفاسیر و تعاریف متعدد و مبهم ارائه شده از نظریه توسعه پایدار، به موازات برداشت سطحی و عدم توجه به مبانی بنیادین و هنجاری تشکیل دهنده این نظریه و نسبت آن‌ها با ارزش‌ها، هنجارها و اقتضائات خاص ایران، بر انسجام سیاست‌های تدوین شده تأثیر منفی نهاده است. توجه به این عوامل شاید گویای ضرورت تدوین یک نظریه سیاستی مستقل و متناسب با هنجارها، ارزش‌ها و اقتضائات بومی در برنامه‌ریزی محیط‌زیست ایران باشد.

۷- نتیجه‌گیری

ماهیت نظریه و نظریه‌پردازی چه در ساحت علوم طبیعی و چه علوم اجتماعی، مرتبط با هنجارها، ارزش‌ها و پیش‌فرض‌هاست. علاوه بر این، پیش‌فرض‌های هنجاری مستتر در یک نظریه، به ویژه در علوم اجتماعی، دارای سلسله مراتب و سطوح گوناگونی است. این ساختار سلسله مراتبی از سطح فرا نظریه (فلسفی) که در بردارنده مباحث هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه می‌گردد، آغاز شده، به سطح نظریه و در نهایت سطح سیاست‌گذاری منتهی می‌گردد. از نظریات مطرح در سطح سیاست‌گذاری که در بردارنده موضوعات خرد و معطوف به وقایع و رخداد‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی هستند، به نظریه‌های سیاستی تعبیر می‌گردد. چنین نظریاتی در نظام نظریه‌پردازی، به عنوان حلقه اتصال بین اندیشه‌های بنیادین و نظری و سیاست‌های معطوف به عمل اجتماعی شناخته می‌شوند. یک نظریه سیاستی، نخست معطوف به یک یا چند موضوع یا مسأله اجتماعی است و دوم یک راهکار مداخله حکومتی برای حل آن پیشنهاد می‌دهد. بنابراین چنین مدل‌های عملیاتی، نحوه مداخله حاکمیتی را بر اساس نظریه‌های هنجاری، تدوین می‌کنند و همچون گفتمانی مسلط بر دستگاه‌های اداری و مدیریتی کشورها، سایه می‌افکنند. عمده‌ترین ویژگی‌های یک نظریه سیاستی، تجویزی بودن، هنجاری بودن، معطوف به عمل حاکمیتی بودن و موردی بودن هستند. از مهمترین کارکردهای نظریات سیاستی، تعیین مبنایی مستدل و شفاف، جهت تعیین اولویت بین گزینه‌های سیاست‌گذاری با توجه به سطح

۸- منابع

19. Daly, Herman (2014). *Beyond growth: the economics of sustainable development*. Beacon Press.
20. Dunn, William N. (2004). *Public policy Analysis: An Introduction*. New York: Pearson Prentice Hall.
21. Friedmann, John (1998). *Planning theory revisited*. *European Planning Studies*, 6 (3), 245-253.
22. Giddens, Anthony (1984). *The construction of society*. Cambridge: polity press.
23. Hass, Michael (1992). *Polity and society: Philosophical Underpinnings of Social Science Paradigms*. New York: Greenwood Publishing Group.
24. Khosla A. (1995). Foreword. In *A Sustainable World*, T.C. Tryzna (Ed), Sacramento: IUCN.
25. Low, Nicholas & Gleeson, Brendan (2005). *If Sustainability Is Everything, Maybe It's nothing?*. 2nd State of Australian Cities National Conference, 30 November-2 December 2005, Brisbane, Australia.
26. Mill, John Stuart (2007). *Utilitarianism, Liberty & Representative Government*. Wildside Press.
27. Mebratu, Desta (1998). *Sustainability and sustainable development: historical and conceptual review*. *Environmental impact assessment review*, 18 (6), 493-520.
28. Naess, Arne (2017). *The shallow and the deep, long-range ecology movement. A summary*. In *The Ethics of the Environment*, 115-120. Routledge.
29. OECD Development Assistance Committee (2001). *the DAC Guidelines: Strategies for Sustainable Development*.
30. Riggs F.W. (1984). *development in Sartori Giovanni (Ed.). social science concepts*, London.
31. Roszak, Theodore (1989). *Introduction in small is beautiful*, E.F. Schumacher. New York: Harper Perennial.

۱. آلمندینگر، فلیپ (۱۳۸۹). *نظریه برنامه ریزی* (چاپ اول). ترجمه: الهام بهمن تیموری. تهران: انتشارات آذرخش.
۲. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱ الف). *نظریه پردازی در علوم سیاسی*. چاپ نشده.
۳. اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱ ب). *نظریه سیاسی به مثابه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*. نخستین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت ۱۰ و ۱۱ خرداد ۱۳۹۱، تهران.
۴. چالمرز، آلن فرانسیس (۱۳۸۹). *چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم شناسی فلسفی* (چاپ یازدهم). ترجمه: سعید زیبا کلام. تهران: انتشارات سمت.
۵. چرنوف، فرد (۱۳۸۸). *نظریه و زیر نظریه در روابط بین المللی: مفاهیم و تفسیرهای متعارض* (چاپ دوم). ترجمه: علیرضا طیب. تهران: نشر نی.
۶. دادگر، یدالله (۱۳۸۳). *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی* (چاپ اول). قم: انتشارات دانشگاه مفید.
۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۳). *قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/92488>*.
۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹). *قانون برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>*.
۹. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳). *قانون برنامه پنج ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/99696>*.
۱۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹). *قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به آدرس: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>*.
۱۱. مهشوری، شریرام (۱۳۷۸). *توسعه پایدار و مدیریت دولتی در هند*. فرابند مدیریت و توسعه، دوره ۷، شماره ۴، ص ۴۵-۵۵.
۱۲. معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵). *روش شناسی نظریه‌های جدید در سیاست: اثبات گرایی و فرا اثبات گرایی* (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. موثقی، سید احمد (۱۳۸۳). *توسعه، سیر تحول مفهومی و نظری*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳، ص ۲۲۳-۲۵۲.
۱۴. سلمان ماهینی، عبدالرسول (۱۳۸۸). *شالوده حفاظت محیط زیست* (چاپ اول). تهران: دی نگار.
۱۵. شوماخر، ارنست اف (۱۳۸۹). *کوچک زیباست: اقتصاد با ابعاد انسانی* (چاپ دوم). ترجمه: علی رامین. تهران: انتشارات سروش.
۱۶. طراوتی، حمید و ایافت، امیر (۱۳۷۷). *دستور کار ۲۱: کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه*. تهران: دیارتمان محیط زیست.
۱۷. زاهدی، شمس السادات (۱۳۸۶). *توسعه پایدار* (چاپ اول). تهران: انتشارات سمت.

18. Allmendinger, Philip (2002). *Towards a post-positivist typology of planning theory*. *planning theory*, 1 (1), 77-99.